

۳۳۲+۵۲ ره ۶۸۵ شماره ۱۵

شکر

شرط بحصول شکر، مشارکت در هزینه: منتظران شکر است.  
مداخله مشارکت برای ایران، طعم اوریا و اسما و استرالیا برای  
۱۲ شماره ۶۸۵، ۲۰ دلار و برای آمریکا و کانادا ۱۲ دلار میباشد.

افسوس و حیف که شاه، نمیخواهد.

# دفاع از حیثیت

لایحه مصونیت مستشاران آمریکا شی و شاهنشاهی ایران

مناسبت تقدیم این نقد به دو جهت است.



## لایحه مصونیت مستشاران امریکائی و شاهنشاهی ریا مهر

یکی اینکه لایحه مزبور، یکی از بهانه‌های مشخص شورش سال ۴۲ و ۵۷ بوده است و برای اصالت بیشتر این بحث، عین اظهارات خمینی بدرک واصل شده به اینجا آورده شده است:

"من تأثرات خودم را نمی‌توانم انکار کنم، قلب من در فشار است، این چند روز که مسائل ایران را شنیدم خوابم کم شده است، ناراحت هستم، قلمم در فشار است، روز شماری میکنم که چه وقت مرگ پیش می‌آید در عزای ما بنام جشن‌های چهارم ایران چراغان کردند و دستجمعی رقصیدند، مارافروختند، استقلال ما را فروختند، قانونی به مجلس بردند که در آن اول می‌رأی ملحق کردند به پیمان وین و ثانیا الحاق کردند پیمان وین را به مستشاران نظامی که تمام مستشاران امریکائی است با خانواده‌شان با کارمندان اداری‌شان و در سنای هم با یک قیام و قعودیه تصویب رسید.

"اینها با هرجا بی‌گانه در ایران بکنند با این قرارداد کاپیتولاسیون مصون هستند اگر کسی خادم امریکائی یا اگر یک اشپز امریکائی مرجع تقلید شما را وسط بازاری ترور کنند، زیر پا منگوب کنند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد، دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، با دیدن او امریکائی‌ها را با آنها تکلیفش را معین کنند، دولت ایمن لایحه را به مجلس برده و در سنای هم با یک قیام مطلب را تمام کردند، دولت با کمال وقاحت از این قرارداد سنگین ژرفداری کرده و ملت ایران را از یک‌های امریکائی پست تر کردند.

"اگر چنانکه کسی سگ امریکائی را زیر بگیرد بازخواست میکند، بزرگترین مقام را اگر زیر بگیرد کسی حق بازخواست ندارد، چرا؟ برای اینکه میخواهند از امریکائی‌ها وام بگیرند و امریکائی گفت که باید این کار بشود مردم ایران هم به چنین مطلبی رای ندادند اینها نمایندگان ما نیستند ای علمای ایران ای مراجع اسلام ای تهران، ای شیراز، ای نجف ای قم، ای مشهد من با این قرارداد می‌که با امریکائی‌ها هم مخالفت میکنم خرابی بدبختی است که یک آشپز امریکائی از یک ارتشدار ایران بالاتر است خدا یا اینها را که برقرآن خیانت میکنند با بودگن

### دوم اینکه

با آنکه شورشیان درجه اول تا حدودی تعرض به شاهنشاهی ریا مهر را پایان داده اند و با استفاده از آن لایحه مصونیت را مسدود ساخته اند ولی بختیاری‌های کثیف تراز او دست بردار نیستند و هر جا فرصتی پیدا میکنند و یا قافیه را تنگ می‌بینند، میزنند به لایحه مزبور نوشته و مینویسند:

"محمد رضا شاه کاپیتولاسیون را به ایران بازگردانید" - اگر پدرش به اشاره انگلستان کاپیتولاسیون را لغو کرده، فرزندش آنرا مجددا برقرار نمود و اگر می‌باید همه خارجیان کشورهای جهان را مشمول آن میساخت " و امثال این اتهامات که ذکر مواردش از شما ربیرون است

### بذل حوصله بفرمائید

تردید نیست که مسیری که سیر این نقد ممکن است خوانندگان محترم را قدری خسته کند، زیرا پرواضح است که در این روزهای و انشا که همه ما تشنه راه‌یابی برای نجات مبارزه از مرگ احتمالی هستیم حوصله توجه و تعمق به چنین بحثهای تحقیقی را نداریم و ولی با وجود این آگاهی، نظریه اهمیت موضوع و مورد، اجازه میخواهد در نهایت کوچکی استدعا نماید که در جهت حفظ حیثیت شاهنشاهی ریا مهر که به ایرانیان حیثیتی عظیم بخشید و رفع اتهام از او که برای ایرانی پاک فکری مدیون تلاشها و همشاهی آن پادشاه است، کمی تحمل و حوصله به خرج داده و این نقد را لایق توجه و معان نظر بدانید و اگر نرا در جایگاه دلیل و منطق یافتید، به آن وسعت و تکمیل بخشیده و در نهایت آنها که نمیدانند و یا میدانند و در مجرای غرض ورزی و دشمنی قرار دارند بیکار بریده چگونه شروع شود

در فکرم که از کجا شروع شود تا حقیق این مطلب حساس تا حدودی ادا شود، شاید این طریق را بیکه پسندید که ابتدا:

جریان پارلمانی و مکاتبات رسمی بین وزارت خارجه امریکائی و ایران و لایحه قانونی مصونیت مستشاران امریکائی مطرح شود و سپس مورد مزبور، از لحاظ فقه اسلامی و تشیع مورد ارزیابی و تطبیق قرار گیرد و در این میان، از تفاوت مصونیت و کاپیتولاسیون گفتگو شود و عندا لاقضا اگر مسائل جنسی دیگری نیز به روشنی مطلب کمک باشد از آنها نیز استفاده شود.

# قرارداد دویین و مصونیت سیاسی

در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ قرارداد دویین بین کشورهای جهان بی دویین روابط سیاسی کشورها به امضاء رسید که چون محل انعقاد آن اجلاس دویین بود به قرارداد دویین موصوف گردیده است و در مقدمه این قرارداد آمده است:

با تذکرات این صیغه - که همه مردم کشورهای از دیرباز قائل بنظایات خاصی در مورد نمایندگان سیاسی میباشند، با معرفت به مقاصد اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها  
با اعتقاد به اینکه - یک قرارداد بین المللی درباره روابط و مزایا و مصونیت های نمایندگان سیاسی در پیوند مناسبات دوستانه بین کشورهای هر چند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوت هایی بایکدیگر داشته باشد موثر خواهد بود  
با اذعان به اینکه - منظور از مزایا و مصونیت های مذکور در فوق منتفع ساختن افراد نیست و بلکه مراد تا مین حسن اجرا و وظائف هیئتها ی سیاسی بعنوان نمایندگان دولتها میباشد  
با تاکید باینکه - در مورد مسائلی که ضمن مقررات این قرارداد تصریحا تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود

در ماده اول این قرارداد چهارچند ماده ای اصطلاحات یکا رزفته در آن قانون از قبیل -  
ما موریت سیاسی ، کارمندان سیاسی ، رئیس و ما مورین سیاسی ، ما مورفنی و اداری ، خدمت  
، خدمت گذار شخصی و اماکن تعریف شده اند که چون در بحث حاضر و همچنین قانون مصونیت مستشاران خارجی به بند (و) ماده اول اشاره شده است ، برای روشنی مطلب عین آن بنده اینجا آورده میشود  
بند (و) ماده یکم قرارداد دویین میگوید:  
" اصطلاح " ما مورفنی و اداری " یعنی بدسته از کارمندان ما موریت که به امور اداری و فنی  
ما موریت اشتغال دارند.

## اشاره ای بجای

لازم به اشاره است که گزچه قرارداد دویین بسال ۱۹۶۱ موجب مصونیت سیاسی برای نمایندگان کشورهای عملی دارای مصونیت در کشورهای محل ما موریت بودند و در واقع همانطور که در مقدمه قرارداد ذکر شده است ، قرارداد دویین عرف معمول و مورد احترام کشورهای را بصورت مدون در آورده . چنانکه در سال سوم سلطنت رضاشاه کبیر ، وزیر عدلیه وقت طی بخشنامه ای به کلیه محاکم دستور داد که از قبول دعوا عم از حقوقی و یا جزائی علیه نمایندگان سیاسی دول خارجی امتناع کنند و ضمنا مقامات خارجی را که مشمول این دستور هستند تعیین و مشخص کرده این بخشنامه بطلت مصونیت خاص نمایندگان سیاسی و عدم امکان اقامه دعوا علیه آنان صادر شد  
(۱۱ تیرماه ۱۳۰۷ - نقل از جلد اول گاهنامه)

## گردش اداری موضوع

قرارداد مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ وین در تاریخ ۲۱ مهرماه سال ۱۳۴۳ به تصویب مجلسین ایران رسید . قبلا ز طرح و تصویب قرارداد دویین در مجلسین ایران وزارت خارجه آمریکا از طریق سفارت خود ضمن نامه شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ از وزارت خارجه ایران تقاضای کند که هیئت مستشاران نظامی آن کشور مشمول مصونیت های مقرر در قرارداد دویین گردند .

جهان سیاسی  
۸۸۰۰  
۱۳۴۱/۱۲/۲۰  
تاریخ  
برت

وزارت امور خارجه  
یادداشت

وزارت خارجه ایران در پاسخ درخواست مزبور با دعوت متن مقابل را ارسال داشته است

چنانکه در متن مزبور ملاحظه میشود پاسخ وزارت خارجه در رابطه با تقاضای سفارت آمریکا مشتمل بر دو قسمت است قسمت اول ، تا شید مصونیت سیاسی است برای مستشاران نظامی آمریکا که دارای گذرنامه سیاسی بوده اند و قسمت دوم تقاضای سفارت آمریکا در رابطه مصونیت کارمندان هیئت های مستشاری آمریکا ، وزارت خارجه با این قسمت از تقاضای سفارت آمریکا موافقت نکرده و انجام آنرا موکول به مطالعات بیشتر کرده است .  
گرچه ظاهرا به نظر می رسد که موافقت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعاریفات خود را بمسئولین ایالات متحده آمریکا اظهار و عطف بیادداشت شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ راجع به بیست و نه آن سفارتگری در بخش اعراض هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران و استفاده از مواد قرارداد وین مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ درباره مستشاران مزبور احتراماً اشماری بدارد . نسبت بقسمت اخیر یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۶۲ آن سفارتگری در بخش اعراض عالیترتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه

وزارت خارجه ايران در جهت تاثير  
مصونيت سياسي مستشاران نظامي  
امريکا که در آي گذرنامه سياسي  
بوده اند منطبق با قرارداد دويسن و  
تعريفی که آن قرارداد را "ما موريت  
سياسي" کرده است تميشد ولي نبايد  
از نظر دورداشت که آن تاريخی که وزارت  
خارجه ايران چنين موافقتی را کرد،  
قرارداد دويسن در مجلس ايران تصويب  
شده بود ولاجرم وزارت خارجه ايران  
بر اساس عرف بين المللی وقت که  
دارنده گذرنامه سياسي از مصونيتهاي  
سياسي بهره مند ميشد، همان عرف را متوجه مستشاران نظامي امريکا که در آي گذرنامه سياسي بودند  
شده

سواي ميانشان موافقت ميگردد که بنابر دگان وضع دواس داده شود تا بتوانند از  
مصونيتها و امتيازات مربوطه برخوردار شوند و در خصوص بقيه کارند ان هيتيهاي  
ستاري امريکا نیز به الامتای در جريان است تا براي آنها بوز امتيازات و تسهيلات  
بيشتری فراهم گردد که نتیجه آن بمدا " يا ستحضاران سفارتکيري خواهد رسيد .  
موقع را براي تجديد احترامات نائقه منتم ميشمارد .-

سفارت کيرای ايالات متحده امريکا - تهران

دراشنای طرح قرارداد دويسن در مجلس ، وزارت خارجه ايران متوجه گرديد که مستشاران نظامي  
امريکا ، بلحاظ اينکه ما موريت آنان منطبق با ما موريت تعريف شده در قرارداد دويسن نيست، نمي  
شوانند از مصونيت مندرج در قرارداد دويسن استفاده کنند لذا نامه زير را به وزارت خارجه امريکا  
ارسال داشت

جمهوري امير حقوقي  
شماره ۱۲۹۶  
تاريخ ۱۳۴۴/۸/۲۶  
پرست

وزارت امور خارجه  
بيادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهي تجارت خود را بسفارتکيري دولت ايالات متحده  
آمریکا اظهار در مورد مصونيت و مصونيتهاي مستشاران نظامي دولت ايالات  
متحده امريکا در ايران استراما با ستحضاران مي رساند که با توجه به درخواستی که در  
بيادداشت شماره ۱۲۳ مورخ ۱۱ مارس ۱۳۱۲ بعمل آورده و سرزوم داشته بودند که  
کارند ان هياتهاي ستاري از امتيازات و مصونيتهاي مربوط به کارندان اداري راضا  
تس " مشرود در قرار داد ششم بقرارتهاي کتباتي سازمان ملل متحد مستند در بين  
در قديم و در اول رده پيشواي سياسي در ۱۸ آوريل ۱۹۶۱ برخوردار باشند و به  
بخش از اشناي ماليزيه اين جهادها به و به قرارداد ي بين دولت وضع مامور سياسي  
داده بود تا از مصونيتها و امتيازاتي که قرار داد مذکور براي اين گروه در نظر گرفته  
شده بودند و به خاطر حفظ مصالح اداري و خلد اتحاد شکل در مورد هر يك از ستند بين  
تدائس و يا کتوري وزارت دفاع ايالات متحده ، اشناي خانواد همراه او بشراي که مفسر  
آنان در ايران با موافقت دولت شاهنشاهي باشد اصل نوبی الذکر قابل اجرا باشد  
به الامتای لازم بعمل آمد و در نتیجه این الامتای با ستحضاران سفارتکيري رسيد

که قرار داد بين المللی بين سراز تصويب از طرف قوه ملکنه ايران شامل اشناي هياتهاي  
ستاري نظامي دولت ايالات متحده در ايران که در استخدام نزاج جنگ ايران ميوانند  
نخواهد گنت و بهر ي اينکار مجوز جداگانه لازم است و علينذا قرار شد هنگام تکميل  
موافقتنامه بين المللی بين مجلسين شرح لازم تيز فسيه شود که رخص و اشناي هياتهاي  
ستشاران نظامي در ايران از مزاي و مصونيتها و معافيتهاي که براي " کارندان اداري  
وقتي " مقرر بند ۳ ماده اول موافقتنامه سرود بهمک پيش پيش شده برخوردار باشند  
و البته تسول اين مزاي و مصونيتها به تصويب مجلسين خواهد بود .  
وزارت امور خارجه شاهنشاهي " شوشفت است اکنون با ستحضاران سفارتکيري برساند  
که هيات محتم و ايران بوجوب تصويبته مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۴۲ با اين پيشنهاد موافقت  
نموده اند و قرار است که هنگام تقديم موافقتنامه بين متعهد در ۱۸ آوريل ۱۹۶۱ مجلسين  
اين يادداشت و يادداشتي که استحضارتکيري در پايخ مرقوم خواهند داشت تيز بسرائ  
تصويب فسيه شود .  
وزارت امور خارجه شاهنشاهي موقع را براي تجديد احترامات منتم ميشمارد .

سفارتکيري دولت ايالات متحده امريکا - تهران

با مطالعه نامه فوق که از سوي وزارت خارجه شاهنشاهي صادر شده است معلوم ميگردد که بموازات طرح  
قرارداد دويسن در مجلس ، وزارت خارجه از همان موافقت مصونيت سياسي مستشاران نظامي که در آي گذر  
نامه سياسي بوده اند نديز عدول کرده و موافقت نهاي را منوط به موافقت هيتت دولت و تصويب مجلس  
نموده است .  
هيتت دولت با نظر موافق و بنا بر مصلحت ملي لايحه قانوني مصونيت سياسي رئيس و هيتت مستشاران  
نظامي امريکا تي راتهييه و به مجلس پينا پيشنها دمينما يدوستا هم همزمان با تصويب قرار داد دويسن  
لايحه قانوني هيتت دولت را بصورت ماده واحده زير مورد تصويب قرار ميدهد .

تفسيري بر ماده واحده مزبور

هما نظور که ملاحظه ميشود در ماده ۱  
واحد مورد بحث به مسئله اساسي  
وجود دارد  
اول اينکه فقط رئيس و اعضا  
هيتت مستشاري نظامي امريکا  
مشمول آن ماده واحده ميشوند

وزارت امور خارجه

تازین اجازه استفاده ستاران نظامی امریکاد را برسان

از مصونیتها و معاینات های قرارداد وین

پانزدهم راجیده

باتوجه پلاجه ۱۸/۲۲۱۱/۲۱۰۷-۱۳۴۲/۱۱/۲۰ دولت وضام آن کسه

در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده بدولت اجازه داده میشود که رئیس

و اعضای هیاتهای ستاری نظامی ایالات متحده را در ایران که بموجب موافقت نامه های

مربوط در استخدام دولت نامنشاها میباشند از مصونیتها و معاینات های شامل کارشناسان

اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل

۱۹۲۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ باضا رسیده است میباشد برشوردار

نه کلیه مستشاران و یا ما مورین  
نظامی امریکائی در ایران و  
یا به زعمان بدرگ و اصل شده  
(خمنی) و یا آن مدیرفیل  
هیگل بختیاری "اشیزهای  
هیئت نظامی امریکائی  
مصونیتی در حد سفیردا شتند  
دوم اینکه مصونیت مزبور  
شامل آن دسته از مستشارانی  
میشده که بموجب قرارداد در  
استخدام مستقیم دولت ایران  
بوده اند و بنا براین  
مستشاران نظامی و تسلیحاتی  
که بنا به قراردادها بیین  
دولت شاهنشاهی و شرکتهای  
امریکائی به ایران آمده  
بودند مشمول ماده واحده  
مزبور نمیشدند

این قسمت دوم یعنی  
قراردادی بودن مستشاران  
را به خاطر بسپارید تا هنگام  
بحث تطبیقی با فقه اسلام

سوم اینکه ماده واحده مزبور برخلاف آنچه که امریکا آنها انتظار داشتند، نظر آنها را در تصمیم مصونیت  
سیاسی به کارمندان نظامی و غیرنظامی تا مین نگرد زیرا همانطور که ملاحظه میکنید ماده واحده محصور  
به رئیس و هیئت مستشاران نظامی است و حتی کارمندان فنی و اداری را نیز در بر نمیگرفت تا چه رسد  
به خدمه مستشاران که در قرارداد وین در بند (ز) و (ح) هر یک تعریف خاصی دارند  
وزارت خارجه امریکا از طریق سفارت خود ضمن یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر، موضوع را مورد  
تحقیق قرار میدهد تا بتواند کارمندان اداری و فنی مستشاران نظامی را نیز مشمول مصونیت سیاسی  
سازد  
وزارت امور خارجه ایران ضمن شماره ۹۷۶۲ پاسخ زیر را ارسال داشته است

امیر محمد و امیر حقون  
شماره ۹۷۶۲  
تاریخ ۲۲/۹/۴۲  
پست تهران

وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تمارات خود را به سفارت کبرای کنورهای  
متحده امریکا اظهار در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۱-  
استراما با اطلاع بهرسانند

نظرا اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۲۱ مراحل تصویب  
نانوشی از مجلس سنا متته ایران را گذرانیده است کارندان نظامی و غیرنظامی امریکائی  
که طبق موافقت نامه های اترتیبیاتی که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کنورهای  
متحده امریکا مقرر گردیده در ایران میباشند و از طرف سفارت کبرای کنورهای متحده  
امریکا بعنوان کارندان اداری و فنی سفارت کبری وزارت امور خارجه شاهنشاهی  
معرفی میشوند از مصونیتها و معاینات های موضوع بند ۲ از ماده ۲۲ قرارداد وین  
درباره روابط سیاسی استفاده نخواهند کرد

موقع راستم شمرده احترامات ناقصه خود را تجدید مینمایند  
سفارت کبرای کنورهای متحده امریکا - تهران

با دقت در این نامه پروتئسی  
معلوم میشود که وزارت خارجه  
ایران هیچگونه تجدیدنظری و  
یا تخلفی از تصمیم مجلس نگرده  
است و کارمندان فنی و غیرفنی  
هیئت مستشاری را در صورتی  
مشمول قرارداد وین دانسته  
که بعنوان کارمندان فنی  
و رسمی سفارت کبری امریکا  
به وزارت خارجه ایران  
معرفی گردند، نه بعنوان  
کارمندان فنی و اداری هیئت  
مستشاران نظامی  
یعنی درست رعایت قرارداد  
وین که کارمندان فنی و اداری  
سفارتخانه ها هم از مصونیت  
سیاسی قرارداد وین استفاده  
نمیکند

## نتیجه انگسه

جریان مکاتبات بین وزارت خارجه ایران و آمریکا و اتمام آن به تصویب ماده واحده ای در مجلس شورای ملی ، فقط و فقط برای رعایت و اعطای هیئت مستشاری آمریکا در ایران که بموجب قرارداد دیور استخدام دولت شاهنشاهی ایران باشند ، مصونیت مندرج در قرارداد دویین منظور شده است و این مصوبه هیچوجه برداشته نشده و شمول آن متفرق بر خدمه و یا حتی کارمندان فنی و اداری مستشاران نظامی آمریکا در ایران نمیگردد است .

## مصونیت سیاسی و دائره آن

برای نتیجه گیری نهائی لازم است که قدری در باب مصونیت سیاسی و نیز موقع آن در اسلام و تشیع گفتگو شود .

مصونیت امتیازی است که به ما مورین سیاسی کشورهای خارجی داده میشود تا در پناه آن از تعرض دولتی که در سرزمین آن خدمت میکنند در امان باشند و لذا ، ما موری که مصونیت دارد ، قابل توقیف و محاکمه و یا هتک حرمت و تشییع حیثیت نیست ، مصونیت نمایندگان سیاسی شامل محل زندگی و کار و اوراق آنها هم میشود .

لازم به اشاره است که مصونیت از تعقیب کیفری کلیتی وسیع دارد و شامل جرائم جنائی تا خلاف و جنحه هم میشود البته اشتباه نشود ، اینظوری هم نیست که ما مورین سیاسی در قبال مصونیتی که داردهر کاری که دلش بخواهد بکند ، خیر دولت محل اقامت حق دارد علاوه بر اینکه مانع اقدامات او بشود ، تعقیب و تضرر از عمل او را هم از دولت متبوعش بخواهد .

مصونیت دیگری که متوجه ما مورین سیاسی است ، معافیت های مالیاتی و گمرکی است ولی این معافیت شامل مالیات بردار مدویا نقل و انتقال اموال غیر منقول نمیشود .

در قانون گمرکی کشورها ، مسئله معافیت و نوع اموال ما مورین سیاسی تفصیلا بیان میگردد چنانکه در قانون تعرفه گمرکی سال ۱۳۳۲ پس از ذکر مقام شخصیتهائی که از معافیت گمرکی استفاده میکنند

افاضه شده ، مشروط بر اینکه اشیاء شخصی سرکنسول و کنسولها در مدت ۹ ماه اول اقامتشان وارد ایران شده باشد .

همانطور که عرض شد ، مصونیت های سیاسی از ایام قدیم بین کشورها معمول و متداول بوده است . سبزون ، خطیب معروف رومی میگوید " مصونیت سفرا هم در حقوق بشری وهم در حقوق الهی تضمین شده است . سفرای دول شخصیتی مقدس و قابل احترام دارند و احترام آنها نه تنها در ممالک دوست بلکه در کشورهای دشمن نیز باید رعایت گردد .

" منتسکیو " فیلسوف فرانسوی ، نمایندگان سیاسی کشورها را زبان روسای کشورها دانسته و معتقد است که بر طبق مقررات بین المللی این زبان باید آزاد باشند .

راجع به علت و فلسفه ایجاد مصونیت های سیاسی نظرات مختلفی در میان است .

عده ای به پیروی از " گروسوس " مبنای مصونیت های سیاسی را نظریه بیرون مرزی دانسته و معتقدند که سفارتخانه و محل سکونت سفیر جزئی از خاک کشور متبوع اوست و بنا بر این تابع قوانین مملکت خودش میباشد .

بنا به نظریه " وائل " و منتسکیو " مبنای مصونیت های سیاسی اصل آزادی و استقلال کشورهاست زیرا نمایندگان سیاسی نماینده دول مستقل هستند و باید از هرگونه سلطه و نفوذ ما مورین دولت محل توقف مصون باشند .

رعایت مصونیت های سیاسی با آنکه یک عرف مسلم بین المللی بوده است معهذ اول مختلفه با عهدنامه های محدود لزوم آنرا تأکید کرده اند و علاوه بر آن برخی از دول در قوانین موضوعه کشورشان

مصونیت های سیاسی ما مورین خارجی را تأکید کرده اند از جمله دولت هلند بموجب قانون ۱۶۷۹ که به عقیده برخی از حقوقدانان قدیمی ترین قانون داخلی راجع به مصونیت های سیاسی است و دولت انگلیسی در سال ۱۷۰۸ و دولت آمریکا بموجب قانون ۱۷۸۷ و دولت روسیه طبق قانون ۱۹۲۱ و دولت ایران بموجب قانون ورود و اقامت اشباع خارجی مصوب سال ۱۳۱۰ آنرا تصویب نموده اند و بعد از آن قرارداد وین جایگزین قوانین موضوعه مذکور شده .

## اسلام و مصونیت

با وجود عرف کهن مصونیت سیاسی در جوامع بشری ، اسلام قائل به مصونیت سیاسی نیست و این مطلب را حقوق جزای اسلامی تالیف دکتر فیض الهی با توضیحات و دلائل کافی ارائه داده است و نتیجه گرفته که :

" سکنه بزرگ کشور اسلام خواه مسلمان باشند و یا کافر دمی ، باید بطور کامل و همه جانبه احکام و حدود و تعزیرات اسلامی را گردن نهند و حتی کسانی که بعنوان اقامت موقت از دولت اسلامی اذن و امان گرفته اند که مدتی را با خاطر ما موریتی سیاسی و یا اقتصادی و یا نظامی و غیره در کشور اسلام ( دارالاسلام ) بمانند هیچگونه مصونیتی از نظر شرعی نمیتوانند داشته باشند و هر جرم و جنایاتی که احیاناً مرتکب شوند همچون سایر مستوجب کیفر خواهند بود " ( صفحه ۱۱۱ )

مستند این اظهار نظر درست آیات قرآنی از جمله آیات ۲۴ و ۲۱ سوره ص است

## مصونیت از طریق قرارداد

اگر اسلام قائل به مصونیت سیاسی به مفهوم حقوق بین الملل امروزی نیست ولی واجد مصونیت

خاصی است که مختص حقوق اسلامی است و ان مصونیت های حاصل از قرارداد های ذمی است .  
در حقوق اسلامی برای پایان دادن به حالت مخاصمه مسلمانان با کفاری که در سرزمین اسلامی  
زندگی میکنند و اینکه ان کفار، از تعرض مسلمانان که بموجب حکم قرآن مجاز شمرده شده مصون  
بمانند، طریقی وجود دارد که تحت عنوان قرارداد ذمه موسوم است .  
کفاری که در سرزمین مسلمانان زندگی میکنند یا بایدان کشور را ترک گویند و یا قرارداد ذمی  
با حکومت وقت تنظیم و امضا کنند ،

### قرارداد ذمی را بیشتر بشناسیم

قرارداد ذمه از آنجا که عهده است ، تابع ارکان عقود است یعنی دارای طرفین پیمان و موضوع و  
باید واجد اراده و ایجاب و قبول باشد .

نخستین مسئله ای که جای توجه میباید این است که چه کسی میتواند قرارداد ذمی را با کفاری که  
در سرزمین اسلامی حتی برای ما موریت سیاسی آمده اند امضا کند

فقهای اسلامی عقیده دارند که مقام واجد صلاحیت برای تنظیم قرارداد ذمی مقام صلاحیت دار در  
حکومت اسلامی است و اگر افراد با احد کفار قرارداد می تنظیم کنند ، حکم آن نام فزیدی را دارنده  
قرارداد ذمی راه

بنابراین از نظر اسلام ، پادشاه کشور ، و یا دولت منتخب شاه که (اولی الامر) است وظیفه تنظیم  
قرارداد ذمی را با کفار دارد

اما مذهب شیعه با اصل اسلامی فوق برابری نظرندارد و عقیده دارد که مسئولیت عقد ذمه در صلاحیت  
ائمه و نمایندگان خاص آنها و یا در زمان غیبت امام با فقهای پرهیزکار و با اصطلاح ، مراجع  
تقلید است که در عین حال صلاحیت مقام افتاء و قضاوت را نیز دارنده

### سوال اینجا است

اکثرین این سوال جای طرح پیدا میکنند که اگر در جامعه ایران که متشیع  
اسلامی بوده است ، قرارداد ذمی با کفار تنظیم گردید ، آیا ان قرارداد  
هاکنده به امضای مسئولین کشور به غیر مراجع تقلید رسیده و یا بصورت ماده واحده ای از مجلس گذشته  
ارزش قانونی داشته یا خیر و آیا جامعه تشیع باید به ان احترام بگذارد یا نه .

پاسخ این سوال را که با مسئله اصلی مورد بحث رابطه مستقیم دارد ، علمای شیعه داده اند  
" شهید اول در کتاب ( دروس ) میگوید :

" در زمان غیبت امام واجب است با اقلیتهای مذهبی طبق قراردادیکه با روسا و زمامداران مسلمین  
منعقد نموده اند رفتار نموده

صاحب جواهر به استناد حدیثی میگوید " قرارداد حکام جا پورا یا بدصحیح و معتبر شمرده و این حکم شامل  
صورتی نیز میگردد که فاقد شرایطی باشد که به منزله رکن و اساس قرارداد ذمه میباشد و ان جزیه است  
صورتی نیز میگردد که فاقد شرایطی باشد که به منزله رکن و اساس قرارداد ذمه میباشد و ان جزیه است  
(جواهر الکلام صفحه ۲۷۶)

شخص خمینی در کتاب تحریر الوسیله میگوید :  
" هرگاه حاکم ستمکاری عقد جزیه را با کفاری تنظیم کند بر ماست که ان را رحمت بران با رکنیم  
( جلد دوم صفحات ۴۹۸ و ۴۹۹ )

### موضوع قرارداد های ذمی

برای پیش برد بحث و رساندن ان به نتیجه لازم است به بینیم که موضوع قرارداد های ذمی چه  
میتواند باشد

هیچ محدودیتی در موضوع قرارداد ذمی وجود ندارد ، تنها همین که طرف قرارداد ذمی باید از کفار  
و یا مسیحی - یهودی - زرتشتی )  
حالی باشد که اساس قرارداد ذمی است ، انهم بسته به نظر حاکم اسلامی است که به چه مبلغ  
باشد و یا اصلا بخشش کند چنانکه شیخ صدوق از امام رضا نقل کرده است که :

" مسیحیان بنی تغلب از پرداخت جزیه امتناع کردند و از عمر خواستند که انرا از پرداخت جزیه معاف  
دارد عمر نیز از ترس آنکه میباید دولت روم به پیوندند حاضر شد و از جزیه سراه صرف نظر نما ید و بر  
مالیاته ای دیگر انان افزایش دهد " شیخ صدوق آنگاه اضافه میکند که " امام رضا فرمود مسیحیان  
بنی تغلب میتوانند طبق قرارداد دوم صلح با یک بدن رضایت داده اند عمل نمایند تا آنروز که حق  
ظا هر گردد

( وسائل الشعیه باب ۶۸ )  
عرض شد که هیچ محدودیتی در عمل حاکم برای انعقاد پیمان ذمی نیست حتی معاف ساختن انسان  
از اجرای قوانین اسلامی و به عبارت دیگر ایجا مصونیت های قضائی برای کسانی که قرارداد ذمی  
با حاکم اسلامی دارند و به عبارت دیگر ، اجرای کاپیتالاسیون بمعنای مطلق ان .

در فقه اسلامی ( شرایع ) به اتفاق میخوانیم

اگر اهل کتاب عملی کنند که در طریقها یشان جائز نباشد مثل زنا و لواط و غیره پس حکمی برایشان  
جاری میشود مثل حکمی که بر مسلمانان جاری میشود و اگر خواسته باشد حاکم ، میدهد ان تقصیر  
کننده را به اهل مذهب خودش تا جاری کنند بر واحد بطریق شریعت خودشان .  
بقیه در صفحه بعد



### کا پیتولاسیون و اسلام

با عرضی میشود برای رساندن بحث به مرتبه تطبیق و اخذ نتیجه ضروری است که به رابطه کا پیتولاسیون و اسلام هم توجهی بشود  
 کا پیتولاسیون ، در لغت به معنای طبقه بندی مطالب است ، برخی از مفسرین اروپائی ، کا پیتولاسیون را به معنای مشارک جنگ گرفته اند و میگویند ، از آنجا که مسلمانان میگویند هیچگاه بین آنان و کفار صلح دائمی نباید وجود داشته باشد ، کا پیتولاسیون در واقع یک نوع قرار داد صلح موقت است  
 عده ای دیگر عقیده دارند که کا پیتولاسیون عبارت از معاهداتی است که بموجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل و از برخی حقوق و مزایا بیطور احتمالی بهره مند میشوند و به عبارت دیگر ، کا پیتولاسیون عبارت است از حق قضاوت خارجیان در کشوری بیگانه میباشد  
 راجع به پیدایش کا پیتولاسیون و ارتباط آن با اسلام اجازه فرمائید به اتفاق ، به دلائل المعارف ده خدا مراجعه کنیم که حق مطلب را به روشنی بیان کرده است .

دلائل المعارف مزبور میشود :  
 ( ... در حقیقت باید متشاء کا پیتولاسیون را در سال ۱۵۲۵ دانست زیرا در آن زمان فرانسوی دوم

پادشاه فرانسه موفق شد با پادشاه عثمانی سلیمان پاشا معاهداتی منعقد کند که آن معاهده بعد از سه وسیله سلاطین دیگر تکمیل و مخصوصاً در سال ۱۷۴۰ معاهده مزبور بخوبی تکمیل شد و بموجب آن خارجیان مخصوصاً فرانسویان موفق شدند که خود را از قضاوت محاکم ترک معاف نموده و در داخل کشور عثمانی به محاکم فرانسوی که برای این منظور تشکیل شده بود مراجعه نمایند برای اینکه بطور خلاصه از مدلول این معاهدات مطلع شویم لازم است بطور اختصار موارد مختلفی را که در این معاهدات پیش بینی شده است در اینجا مورد بحث قرار دهیم بر طبق این معاهدات باید موارد ذیل را مورد مطالعه قسراً

داد ۱ - مسائل حقوقی و تجاری - ۲ - مسائل جزائی  
 مسائل حقوقی و تجاری - در صورتیکه اختلاف مربوط به امور حقوقی و تجاری باشد و طرفین هر دو فرانسوی باشند محاکم عثمانی بهیچ وجه صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارند بنابراین با اینکه اختلاف در خاک کشور عثمانی بعمل آمده صلاحیت رسیدگی به قسول فرانسه و محاکم فرانسوی واگذار شده بوده  
 در صورتیکه اختلاف بین یک نفر فرانسوی و یک نفر از اشاع عثمانی بروز کند ، محاکم عثمانی صلاحیت رسیدگی را دارد ولی باید محاکمه با حضور قسول فرانسه صورت گیرد  
 اگر اختلاف تجاری و حقوقی بین یک خارجی و یک فرانسوی باشد ، در این صورت نیز محاکم عثمانی صلاحیت رسیدگی را ندارد

مسائل مربوط به امور جزائی ، - در صورتی که مجرم یا متهم بیگانه بوده در این صورت نیز محاکم عثمانی به هیچ وجه صلاحیت رسیدگی به این قسمت را نداشت اگر چه جرم در داخل خاک کشور عثمانی واقع شده بوده

با توجه به این موارد ملاحظه میشود که در داخل کشور عثمانی در مقابل محاکم ملی محاکم بیگانگان نیز وجود داشته است و این خود لطمه بزرگی به استقلال قضائی آن کشور وارد می شده  
 اکنون باید معلوم داشت که بطوریکه امپراطور عثمانی با قدرت و تسلطی که داشت ، رضایت به چنین امری داد در صورتیکه در آن موقع هیچ اجباری برای امضای چنان معاهداتی در کار نبود ؟

راجع به علل وجهات امضای چنان معاهدات بین علمای حقوق اختلاف نظر موجود است بعضی از ایشان معتقدند که چون میان تمدن مسیحی و اسلامی فاصله زیادی وجود داشت و از طرفی روابط با زرگانسی ایجاد مینمود که فرا این ممالک با یکدیگر ارتباط داشته باشند تا چارطرفین در صدد پیدایش وسیله ای بودند که این ارتباطات را در تحت نظم و مقرراتی در آورند به این جهت متوسل به کا پیتولاسیون شدند  
 برخی دیگر از علمای حقوق و مورخین میگویند که متشاء کا پیتولاسیون را نباید در این دانست که ما بین تمدن اسلامی و مسیحی فاصله زیادی بوده است بلکه :

متشاء کا پیتولاسیون را باید در خود قوانین اسلام پیدا کرد زیرا مطابق فقه اسلامی اگر شخصی خارج از

مذهب برای رفع اختلافات خود میخواستند به محاکم مذهبی خود مراجعه نمایند هیچ مانعی وارد نمی برای آنها موجود نبود و بنا بر این اگر پادشاه عثمانی راضی به امضای چنین معاهداتی شده است ، مقصودش

این نبوده که امتیاز خاصی به بیگانگان بدهد بلکه قانون اسلام چنین موضوعی را تجویز مینموده

منتهی چون از نظر اقتصادی سلطان عثمانی مایل بود که با بیگانگان ارتباط بازرگانی داشته باشد تا چار برای تامین منافع اقتصادی کشورش تن به امضای چنین معاهداتی داد و آنرا امضا کرد  
 پس میتوان گفت که سلطان عثمانی با امضای چنان بیگانه ای به هیچوجه در مقابل تاریخ و ملت خود مقصر نیست (.....)  
 ( تمامی متن بالا که در هلالین قرار گرفته است از فرهنگ ده خدا با کا پیتولاسیون میباشد )

آیا سلطان عثمانی که خلیفه وقت بنسلمین جهان شناخته میشد ، به حدود و قوانین اسلامی آگاه نبوده است ؟ بفرمایید اینکه نظر آن عده از حقوقدانان که گفته اند اختلاف بین تمدن مسیحی و اسلامی سلطان عثمانی را مقید ساخته که قراردادها کا پیتولاسیون را امضا کند ، با زهم ثنائی در مانحن فیسه ندارد زیرا اگر اسلام خلاف کا پیتولاسیون حکمی داشت ، سلطان عثمانی جرات نمیکرد که چنان قراردادی را با بیگانه امضا کند ، پس آیات قرآن و تأکیدات مکرر آن کجا رفته بود ؟

هیچ اینها نبود مگر اینکه همانطور که حقوقدانان اظهار عقیده کرده اند، مبنای کاپیتولاسیون را باید در اسلام یافت لاغیره تنها سلطان عثمانی چنین نکرد، عمرخلیفه سوم نیز در سال ۶۸۲ میلادی راهبانان یونانی مقیم فلسطین را از تبعیت قوانین محلی که همگی یکدست اسلامی بودند معاف ساخت.

ایا عمرهم به قوانین اسلامی آگاه نبود؟  
ممکن است گفته شود که سلطان عثمانی پیرو فلسفه اسلامی تسنن بود و  
**دلیل دیگر** ایران پیرو فلسفه تشیع اسلامی است، نمیتوان در مورد کاپیتولاسیون اقدام سلطان عثمانی را ملاک گرفت. پاسخ این است:

شاه عباس کبیر که در تعصبات او به شیعه کمتر حرفی است و در زمان او در راس روحانیون شیعه دو صدر بزرگ یا صدرالعدور که یکی برای اموردیوان و دیگری برای امور خاومه، امور مربوط به قضا و دادرسی کشور را اداره میکردند "عادتاً شاه قبل از اینکه فرمانی صادر کند از مجتهدین سوال میکرد که آیا حکم او از نظر فقه و شریعت اسلامی صحیح است یا نه و مجتهدین فتوی مختصری صادر میکردند که فرمان شاه بعد به آن مبتنی میشد" (نقل از صفحه ۵۴۹ تاریخ ایران)

در زمان سلطنت خویشی به اتباع انگلیس اجازه داده اند که بوسیله سفرای کشور خودشان محاکمه شوند و اقزون بران، مصونیت جان و مال و مذهب هم به آنان اعطاء کرد (سال ۱۶۰۰ میلادی) و پس از شاه عباس اول نیز شاه صفی و سایر شهریاران صفوی آن فرمان ها را تأیید نمودند ایا امثال مجلسی که شیخ الاسلام و صدرالصدور وقت و قدرت قضائی کشور را در پی خود داشت نمیدانستند که برقراری کاپیتولاسیون بفتح اتباع انگلیسی در سرزمین اسلام خلاف اسلام است؟

عینا کلیه مواد قرارداد کاپیتولاسیون عثمانی در سال ۱۷۰۸ "لوئی میشل نماینده لوئی چهاردهم یا شاه سلطان حسین قرار دادی تنظیم نمود که درست در حیوجه قدرت یا قری مجلسی بوده که شاه سلطان حسین آپ بدون اجازه او نمیخورد است ایا میتوان گفت که اسلام تشیع یا کاپیتولاسیون مخالف است؟؟

**یک دلیل دیگر** همانطور که استحضار دارید قرارداد کاپیتولاسیون بموازات عهدنامه ترکمانچای بهایرانبیان تحصیل گردیده از آن تاریخ (۱۸۲۸) تا زمان مشروطیت، یعنی ۷۹ سال، حتی یک نوشته ای از یکی از مفسرین و محققین شیعه وجود ندارد که کاپیتولاسیون را خلاف اسلام دانسته باشد.

خودپرسی فرمائید ایا مسئله قرارداد انحصار رتوتون مهمتر بود یا قرارداد کاپیتولاسیون که میرزای شیرازی برای اولی آن برنامه های خاص ۱۱ رابه اجرا گذاشت و برای کاپیتولاسیون، دم نگشود؟ چه محلی میتوان یافت جزا اجازه اسلام بر چهریان فقه کاپیتولاسیون؟؟

مدت ۲۰ سال مشروطیت ایران هیچک از وکلای مجلس حتی مدرس نگفتند که کاپیتولاسیون خلاف اسلام و این سنگ را از دامان اسلام پاک کنید، زیرا این سنگ، مبنای در اسلام است،

**نتیجه اینکسسه**  
غرض از بحث اسلام و کاپیتولاسیون این است که: هر چه لایحه قانونی مصونیت رئیس و هیئت مستشاران امریکائی کاپیتولاسیون نیست (دلائل آن در همین لایحه عرض خواهد شد) معهداً اگر به زعم ملاهای شورشی و درو اس آنان آن سنگ به درک واصل شده، کاپیتولاسیون هم گرفته شود باز هم عملی خلاف اسلام صورت نگرفته است.

**تفاوت مصونیت سیاسی و کاپیتولاسیون**  
جهات افتراق مصونیت سیاسی و کاپیتولاسیون انقدر معلوم و مشخص است که نیازی به بحث و گفتگوئی را ندارد ولی در مقابل احتیاج و جهالت قشریون مذهبی و بختیار و آدمهایش ذکر این مراتب ضروری است:

- ۱- همانطور که از تعریف کاپیتولاسیون بر میآید، کاپیتولاسیون حق قضاوت خارجیان در کشوریگانه است و بنا بر این شمول این حق برای تمام اتباع کشور خارجی است و استثنائی متوجه آن نیست در حالیکه مصونیت سیاسی محدود به اشخاص ذکر شده در حقوق بین الملل است و افراد عادی کشورها چه از کشور متبوع و با کشوریگانه نمیتوانند از مصونیت سیاسی استفاده کنند.
- ۲- مصونیت سیاسی از حقوق متقابل کشورهاست یعنی همانطور که شخصیت های سیاسی خارجی در ایران دارای مصونیت سیاسی اند، و از تعقیب جزائی و محاکمه مصون میباشند، شخصیت های سیاسی ایرانی نیز در کشورهای خارج متقابلاً از این امتیاز برخوردارند در حالیکه در کاپیتولاسیون چنین قاعده ای نیست و ایرانیان مقیم کشور خارجی نمیتوانستند از محاکم آن کشورها معاف و یا با حضور کنسول ایران محاکمه چشوند.
- ۳- اساس مصونیت سیاسی بر استقلال و احترام کشورهاست و چون متقابل است، چگونه امتیاز انحصاری برای کشورها محسوب نمیشود در حالیکه اساس کاپیتولاسیون بر برتری کشوری بزرگتر و دیگر اختلاف تمدن و مآدالانه و غیره دلالت میدهد و این قوانین کشورهاست.
- ۴- مشخص ترین وجه تمایز کاپیتولاسیون و مصونیت سیاسی، این است که برقراری مصونیت سیاسی، در رابطه با شغل شخصی مصون است و همینکه آن شخص از آن شغل برکنار شد، مصونیت سیاسی او هم از بین میرود در حالیکه کاپیتولاسیون هیچ ارتباطی به شغل شخص ندارد بلکه به تابعیت افراد بستگی دارد و نیز در مصونیت سیاسی، کشورها حق دارند از قبول نماینده سیاسی کشوردیگری خودداری کنند و تا پذیرش او را نداده اند، مصونیت سیاسی هم برای آن شخص بوجود نمیآید و به عبارت دیگر مصونیت سیاسی هیچگونه تضمینی برای حق حاکمیت ملتها بوجود نمیآورد.

۱- کا پیتولاسیون امتیاز و حقی است که دولتی به دولت دیگر میدهد و به همین دلیل مشمول اصل بیمن- المللی کا ملت الوداد میگردد یعنی دولتهای دیگر نیز بخودی خود مشمول آن حق میگرددند چنانکه فصل کا پیتولاسیون در عهدنامه ترکمان چای سبب شد که کشور انگلستان بسال ۱۸۴۷ اسکاندیناوی بسال ۱۸۵۷ دانمارک ۱۸۵۷ سوئد ۱۸۵۷ آمریکا ۱۹۰۲ نیلی ۱۹۰۲ سوئیس ۱۸۷۸ ازان استفاده کردند ، در حالیکه مصونیت سیاسی حقی است که به اتباع مشخص کشورها ی دیگری داده میشود و لذا شامل اصل کا ملت الوداد نمیگردد به همین دلیل هم مصونیت سیاسی موضوع لایحه قانونی مصونیت رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا ، به سایر مستشاران نظامی کشورها که در آن موقع در ایران حضور و در استخدام دولت شاهنشاهی بودند ، تعلق نگرفت و این مدت یکی دو سال هم نبود ۱۵ سال بوده

۲- ازانجا که قرارداد کا پیتولاسیون بین دوویا چند کشور امضا میگردد ، فسخ آن نیز یکطرفه ممکن نیست مگر با جنگ و یا موافقت طرفهای ذینفع ولی مصونیت سیاسی حقی است موقتی و هر زمان دولت اراده کند مصونیت را از شخص بر میدارد

با عرض مراتب از جهات افتراق کا پیتولاسیون و مصونیت سیاسی اکنون جا دارد به بینیم لایحه مصونیت سیاسی مستشاران نظامی آمریکا اگر کا پیتولاسیون نیست پس چیست ؟

### لایحه مصونیت سیاسی مستشاران آمریکائی چیست ؟

از آنچه که در رابطه با قرارداد مصونیت سیاسی وین عرض شد این مستفاد معلوم است که مصونیت سیاسی خاص کارمندان سیاسی است نه افراد نظامی .  
با کمی دقت در متن لایحه مصونیت سیاسی متوجه میگردیم که لایحه مزبور در واقع تحصیل اجازت برای تنظیم قرارداد استفاده می است که ان مستخدمین ( مستشاران نظامی ) از حقوق مصونیت مندرج در قرارداد دین استفاده کنند .

عبارت " رئیس و اعضای مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران که بموجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی هستند " ثابت میکند که مصونیت مندرج در لایحه مزبور ، یک

امتیاز استخدا می است و به عبارت دیگر ، نه کا پیتولاسیون است و نه مصونیت سیاسی منطبق با تعریف قرارداد دین بلکه امتیازی است که کارفرما ( دولت شاهنشاهی ) به اعتبار منافع خاصی که از کارگر ( مستشاران نظامی آمریکا ) میبدره ان امتیاز را موقتاً به آنها داده است .

ایران شاهنشاهی میلیاردها اسلحه از آمریکا خریداری کرده بود ، این اسلحهها ، شمشیر و سپر و تفنگ نبود که راه اندازی و استفاده از آن به متخصصین نیاز نیابد ، اسلحه را هم برای تماشا خریده بودیم برای حفظ استقلال کشور خریداری شده بود که دنیا بنا ظرفی بود ، آیا آنکه نظم ارتش گسسته بود ، همان

اسلحهها وسیله توقف پیشروی ارتش عراق در ایران گردیده  
سازماندهی ارتش و بویژه تدارکات و ذخایر ارتش بصورت کامپیوتری درآمده بود ، سیستمی که آن زمان حتی شوروی ازان برخوردار نبوده ( آمریکا - انگلستان - فرانسه و اسرائیل ازان سیستم برخوردار بودند )

این امور نیاز به کارشناس و متخصص نظامی داشت ، نمیشود اسلحه را از آمریکا خرید و کارشناسان را از فرانسه آورد ، نمیشود در روزنامه ها اعلام کرد و متخصص استخدام کرد ،

کارشناسان این امور برای خودشان و شرکتهاشان و شرکتهایشان تکیه ها می هستند یا ارزش و لاجرم برای استخدام خودشان هم شرائطی قائلند که در برخی موارد همان مصونیت جان و مال و مسکن است  
وارد این بحث نمیشویم که مر حقوقدان و وکیل خارجی که اصل دوم متمم و اصل ۲۱ همان قانون را بخواند ، مصونیت جان و مال و مسکن و فراغت از سیستم قضائی ایران را برای خدمت موکلش در ایران بایستخواستار شود .

درست است که قوانین ایران بویژه قوانین کیفری و اذین دادرسی ان منطبق با قوانین مترقی دنیا شده بود ولی یک حقوقدان و وکیل مجرب نمیتواند به اصول مزبور که در قانون اساسی و متمم ان پیاده شده بی اعتناء بماند .

### مصلحت ملی

مانمیدانیم که مذاکرات بین مسئولین وزارت جنگ و وزارت خارجه و هیئت دولت شاهنشاهی چه بوده که منجر به تنظیم لایحه قانونی مصونیت و تسلیم ان به مجلس گردیده ولی بهرحال مسلماً پای مصلحت ملی درگا ر بوده است .

کسیا به برای حفظ استقلال و منافع مملکت تصمیماتی اتخاذ میگردد که بنظر کسانی که در متن نیستند ، صحیح نمیاید ولی مصلحت مملکت ، بالاتر از این حرفهاست .

دیدیم که دولت ریگان بنا بر مصلحت ملی آمریکا ، علیرغم قانون تحریم ارسال اسلحه به ایران به ارسال اسلحه مبادرت نمود در محاکمه " نورث " چیزی هم که اصلاً مورد اعتراض دادگاه و رسیدگی قرار نگرفت همان شکستن قانون از طرف دولت ریگان بود و نورث فقط به اتهام سوء استفاده محاکمه گردیده .

دیدیم که دولت فرانسه علیرغم قانون منع معامله با آدمربان به آنها باج مالی داده ها مورد دیگر .

در صدر اسلام نیز نظایرتوجه به مصلحت جامعه موارد عذیبدهای دارد از جمله بنابه نوشته تاریخ اسلام ابوبکر خلیفه اول مسلمین ، خالد بن ولید سردار اسلام را که شبانه در منزل یکی از معارف مسلمان ( مالک بن نویره ) میهمان شد و مالک را غافلگیر نمود و او را کشت و سرش را در آجاق انداخت

وبه زن مالک تجاوز کرد، خلیفه اسلام حد اسلامی را بر او جای نساخت و به استناد اینکه آن سردار مورد نیاز است، قضیه را منتفی ساخت ( تاریخ اسلام و شیعه در اسلام صفحه ۱۰ و ۱۱)

شخص خمینی نیز اکتدار حکومت را تا آنجا دانسته که میتواندمساجد را تعطیل و یا خراب کند و حکومت مقدم بر نماز و روزه است و میتواند قراردادها را یک جانبه لغو نماید (نقل از فتوای خمینی به علی خامنه ای کیهان ۱۸۲)

بنابراین، مملکت ایران آن روز بران بوده که به اعتبار نیازی که به آن مستشاران نظامی امریکائی داشته دولت لایحه انرا تهیه و پس از تصویب مجلس شورای ملی و سنا و توضیح هما یونسی بموقع اجرا گذارد آیا شاه میتواندسته آن قانون را توضیح نکند و با صراحت قاطع اصل ۴۹ جلوی اجرای انرا بگیرد؟؟ مسلما خیر

سنگسر = آری حکومت امروز، حق دارد، مساجد را خراب، قرارداد های مردم را یکطرفه فسخ و باطل کند. نماز و روزه را تعطیل کند، از دختران آزاده بکارت کند، اموال خصوصی و عمومی را غارت کند، زندان ها را مملو و گورستان ها را متراکم و وسعت بخشد، جوانها را خام و به اغوی بهشت و گلبد آن گله گله بروی مین های عراقی اعزام دارد، کشور را با دایران را به ویرانه های غیر قابل علاج مبدل سازد و برخلاف صراحت قرآن، به کشورهای کفر و حکمیت انها متوسل شود (قطعنا مه ۵۸۹) ○○○○○○○○○○ ولی اگر حکومت آنروز، بنا به تجویز مجلس شورای ملی و سنا لایحه قانونی مصونیت چند مستشار نظامی امریکائی را که در استخدام دولت شاهنشاهی برای تدارک و تجهیز ارتش بوده اند تصویب میکند، آنهمه فشرغ و اتهام آنها برای شاهی که به غیر از توضیح ان قانون که وظیفه بلاتاخیر شاه است، دخالتی در امر مزبور نداشته است  
بر اخوندهای حاکم ایرادی نیست اما بختیارها چرا؟ تصمیم مجلس چه خوب یا بد، چهار شرطی به شاه دارد؟ البته غافل نیستیم که میگویند مجلس آریا مهری بود، پاسخان این است، این رئیس آزاده شما ( بخوانید از کمر ) چطور با رای همان مجلس آریا مهری و مجلسیان آن به نخست وزیری رسید و آنهمه هم فخر فروخت.

### بی انصافی و چرک فکری

آنجا که مسئله ساختن ایران و پیشرفتهای کشور مطرح است، گفته و ادعا میشود که پهلوی ها کاری برای ایران نکردند، هر چه پیشرفت و ترقی بوده ملت خودش کرده است"  
آنجا که مسئله نجات آذربایجان مطرح است، ادعا میگردد که " شاه و ارتش کاری نکردند، ملت و مردم آذربایجان خودشان قضیه آذربایجان را حل کردند"  
ولی آنجا که لایحه مصونیت مستشاران نظامی را دولت تهیه کرده و مجلس شورای ملی و سنا تصویب نموده، قضیه میشود کاپیتولاسیون و برگشت دادن ان توسط شاه آریا مهر،  
شرم آور و غیر قابل تحمل است، ۱۰ سال است نه یکبار رویکنفر، مداوم و مکرر، بختیار و آدمهایش دست از این بی شرمی برنمیدارند و بهر مناسبتی نیش میزنند و تجدید مطلع آنها می میکنند که:  
مسئله، کاپیتولاسیون را چه میگوئید. بلکه - فتحعلیشاه را رو سفید کرد -  
( سوء تعبیر نشود، اظهارات و نوشته های آدمهای بختیار، حسب قاعده ای که خود او وضع کرده به حساب خود اوست )

خود پرسی بفرمائید لایحه قانونی مصونیت مزبور تجا و زبه حق حاکمیت ملی و قوه قضائیه کشور است یا قانون منع تعقیب خلیسل طهماسبی قاتل سپهبد رز آ را از طرف مجلس دست نشانده مصدق و تائید آن عمل بیسابقه در جهان، توسط مصدق عوام فریب و قشری که یکمده سال قبل با عضویت در مجمع آدمیست هدفتش برقراری قوانین اسلامی و حکومت اسلامی در ایران بوده است.